

وظایف شیعیان و منتظران

امام زمان ^{عج}

کتاب سیرت
امام زین العابدین

محمد مقدسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وظایف

شیعیان و منتظران

امام زمان علیہ السلام

محمد مقدسی

﴿ شلاسلاسه ﴾

نام کتاب: وظایف شیعیان و منتظران امام زمان علیه السلام

تهیه و تنظیم: محمد مقدسی

ناشر: برگ شقایق

نوبت و تاریخ چاپ: اول / پاییز ۸۱

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: غدیر

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰ تومان

مرکز بخش:

قم - خیابان آیه الله نجفی مرعشی - کوچه ۱۳ - پلاک ۳۰۷

بنیاد فرهنگی پیام اسلام

تلفن: ۷۷۴۱۸۴۷ - ۷۷۴۲۴۹۸

قم - صندوق پستی ۷۵۹ و ۱۱۹

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

فهرست

- مقدمه ۴
- شناخت امامت و امام زمان علیه السلام ۱۰
- فرمان‌پذیری و اطاعت از امام علیه السلام ۱۴
- اقتدا و تأسی ۱۷
- انتظار و منتظر ۲۰
- به یاد او بودن ۲۳
- محبت به او و دوستانش ۲۵
- ادای حقوق امام زمان علیه السلام ۲۹
- پرهیزکاری ۳۲
- اخلاق شایسته ۳۴
- آمادگی و آماده‌سازی ۳۶
- یاری‌رسانی به دیگران ۳۹

- دفاع از امام زمان علیه السلام ۴۱
- پنهان کاری در برابر دشمن ۴۳
- صبر و استقامت ۴۷
- اطاعت و پیروی از فقها و عالمان ربانی ۵۲
- دعا برای امام زمان علیه السلام ۵۵
- دعا برای فرج ۵۸
- ندبه و زاری ۶۱
- وظایف شیعیان در دوران غیبت ۶۵
- سرانجام او خواهد آمد! ۷۶

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ الْمُسْتَعَاثُ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ﴾

از ابتدای تاریخ، که فرشتگان الهی به امر خداوند در برابر حضرت آدم علیه السلام سر به سجده نهادند^(۱)، موضوع انتظار قائم موعودی از سلاله پاک خاتم پیامبران مورد تأمل و توجه قرار گرفت.

آنگاه که حضرت نوح علیه السلام - پس از نهصد سال اقامت در میان قوم و فراخواندن آنان به دین خدا - ناامید شد و برای نابودی کافران دعا کرد انتظارش آغاز شد. انتظار او برای غلبه کامل دین خدا و ریشه کن شدن همگانی کافران تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد یافت.

۱ - «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ...» سورة بقره / آیه ۳۴.

آنگاه که حضرت ابراهیم علیه السلام به کمک فرزندش اسماعیل پایه‌های کعبه را بالا برد و دعا کرد تا خداوند سرزمین مکه را جایگاه امن و ایمن قرار دهد^(۱)؛ انتظارِ روزی در دلش جا گرفت که فرزندی از نسل او و از فرزندان آخرین پیامبر خدا، در همین سرزمین، و در کنار همین خانه، تکیه بر همین پایه‌ها خواهد زد و ندای توحید را به گوش همهٔ جهانیان خواهد رسانید.^(۲)

آنگاه که حضرت لوط علیه السلام عزت و احترام میهمانان آسمانی و خاندان با ارزش خود را، در برابر فاسدان هوس‌باز مورد تهدید دید، آرزوی داشتن قوّت و قدرت و تکیه‌گاهی استوار نمود و فکر و اندیشهٔ انتظار «قائم موعود» در روح و جانش جاری شد.

۱ - «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ...»
سوره بقره / آیه ۱۲۶.

۲ - «وَالْقَائِمُ علیه السلام يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ متجیرا به فینادی ... وَ مَنْ حَاجَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَ ...» کمال الدین / ج ۱ / ص ۵۴ و ۵۵.

حضرت لوط علیه السلام گفت: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ؛ کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم»^(۱)

امام صادق علیه السلام در اینجا می فرماید: «حضرت لوط این سخن را نگفت مگر به عنوان تمنای دسترسی به قدرت قائم ما علیه السلام، و آن تکیه گاه استوار چیزی نبود جز استواری و توانایی یاران او؛ زیرا هر یک از آنان دارای قدرت چهل مرد و قلبش قوی تر از قطعه های فولاد است. آنان اگر بر کوه های آهنین بگذرند آن را از بیخ و بن برآورند، و شمشیرهای شان در غلاف نیارآمد مگر اینکه خدای تعالی راضی شود».^(۲)

آنگاه که حضرت موسی علیه السلام مردم را به مبارزه با فرعون فرا خواند و آنان را به یاری طلبیدن از خدا و شکیبایی تشویق کرد؛ و همچنین از آن هنگام که حضرت عیسی علیه السلام با دلی سرشار از مهربانی، مردم را به همدلی دعوت کرد و

۱- سوره هود / آیه ۸۰.

۲- کمال الدین / ج ۲ / ص ۶۷۳؛ المحجة فیما نزل فی قائم الحجة / ص ۱۰۶.

آیه‌های محبت را در گوش آنان زمزمه نمود، بارقه انتظار حضرت مهدی علیه السلام در جان این دو پیامبر الهی می‌درخشید و در آرزوی حاکمیت مطلق او بودند:

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ همانا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگان که بخواهد به ارث خواهد رسانید، و فرجام و عاقبت نیکو برای تقوی پیشگان است»^(۱).

آن هنگام که مردم ناسپاس و عداوت پیشه به کشتن حضرت عیسی علیه السلام همت گماشتند و او به جوار قدس الهی بالا رفت، انتظار تاریخی خود را - برای فرود آمدن در کنار کعبه، و نمازگزاردن به امامت مهدی علیه السلام، و یاری کردن او را - آغاز کرد.^(۲)

و نیز از زمان پیامبر تا آخرین لحظات عمر امام حسن

۱ - سورة اعراف / آیه ۱۲۸.

۲ - «یا عیسی! اذفَعَكَ اِلَىٰ ثُمَّ اَهْبِطُكَ فِي اٰخِرِ الزَّمَانِ لِتَرَىٰ مِنْ اُمَّةٍ ذٰلِكَ النَّبِيِّ الْعَجَائِبِ ... لِتُصَلِّيَ مَعَهُمْ». کمال الدین / ج ۱ / باب ۸ / ص ۱۶۰.

عسکری علیه السلام هرگز امر انتظار فرج، مورد غفلت واقع نگشت و در ضمن صدها روایت از پیامبر و دهها روایت از امیرالمؤمنین و هر یک از امامان معصوم علیهم السلام مسئله انتظار و منتظرین امام زمان علیه السلام از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته، و این موضوع در همه قرون گذشته، سینه به سینه، از نسلی تا نسل دیگر، همواره آفاق جان و دل منتظران را در گذر همه بحران‌ها و فتنه‌ها روشن داشته است.

و اینک دوران معاصر، به عنوان حساس‌ترین و پرمخاطره‌ترین بخشی از دوران غیبت آخرین حجت الهی، حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ تابناک‌ترین عصر انتظار به شمار می‌رود.

در این نوشتار برخی از مهمترین وظایف و مسئولیت‌های منتظرین امام زمان علیه السلام را، در زمان غیبت آن یوسف دوران، به گونه‌ای خلاصه بر شمرده‌ایم تا شاید آنانکه از تابش مستقیم نور جمال حضرتش بر ساحت

زندگی فردی و اجتماعی خویش محرومند، با انجام آن وظایف و تکالیف، زمینه ظهورش را فراهم آورده و خود را در زمره یاران و منتظرانش قرار دهند.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ!

قم - محمد مقدسی

شعبان ۱۴۲۳

پاییز ۱۳۸۱

شناخت امامت و امام زمان علیه السلام

چشم‌انتظاری جز بر پایه شناخت میسر نیست. ابتدا باید رهبری مبتنی بر وحی و عصمت را شناخت و به لزوم و ضرورت آن معتقد شد تا بتوان خود را برای استقرار و پذیرش آن آماده ساخت. چنانکه ابتدا باید نسبت به رهبر معصوم و امام معصوم از طرف خدا و پیامبر معرفت پیدا نمود تا بتوان در دوران غیبت او به امید زمان ظهورش به اطاعت وی قیام کرد.

تا امام زمان علیه السلام شناخته نشود و امامت او مورد اعتقاد قرار نگیرد چگونه ممکن است انتظار شکل گیرد؟ چنین شناخت و اعتقادی اساسی‌ترین ویژگی منتظران به شمار می‌آید از آن رو که خود از ارکان مهم انتظار و مقدمه آن محسوب می‌شود.

چنانکه امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ همانا مردم زمان غیبت او که به امامت وی قائل باشند و در انتظار ظهورش به سر برند، برتر از مردم هر زمان دیگرند.» (۱)

و از همین جاست که امام باقر علیه السلام این ویژگی را قبل از انتظار بیان می فرماید:

«الْغَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرُ الْمُنتَظَرُ لَهُ ... كَمَنْ جَاهَدَ؛ از میان شما هر کس که این امر را بشناسد و در انتظار آن باشد به منزله جهادگران است.» (۲)

بنابراین امام زمان علیه السلام و ویژگی های او را، دوباره باید شناخت. امامت و نقش آن را دیگر باره با دیدی عمیق تر و در گستره ای وسیع تر باید بررسی کرد.

راستی! چرا عدم شناخت امام زمان علیه السلام همپای شرک و

۱ - بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۲۲ / ح ۴.

۲ - بحار الانوار / ج ۲۴ / ص ۳۸ / ح ۱۵.

جاهلیت، و تکذیب او همردیف کفر و بی‌ایمانی شمرده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۱)

«مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ كَفَرَ؛ کسی که مهدی را تکذیب کند کافر است.»^(۲)

و چرا در دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم:

«... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ خدایا حجت خویش را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد.»^(۳)

آیا غیر از این است که جز با شناخت امام، راه هدایت را

۱ - بحار الانوار / ج ۲۳ / ص ۷۶ / ح ۱.

۲ - الفتاوی الحدیثیه / ابن حجر هیثمی / ص ۳۷.

۳ - اصول کافی / ج ۱ / ص ۳۳۷ / ح ۵.

نمی توان شناخت و جز با معرفت او، به معرفت دینی نمی توان دست یافت؟

به یقین شناخت امام عصر علیه السلام و پیروی از آن حضرت که کلید همه معارف الهی است، با یادگیری نامها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت او حاصل نمی شود.

باید در حکمت نامها و نشانهها و القاب او اندیشه کرد. باید در شگفتی های ولادت و زندگی او تأمل نمود. باید غیبت پر رمز و راز و طولانی او را به بررسی نشست و عوامل و لوازم آن را با نگاهی مسئولانه جستجو کرد.

باید در کلمات و فرمایشات امام علیه السلام، و در نامهها و فرامین او تدبیر و دقت نمود.

باید آنچه را که سبب خوشنودی و ناخوشنودی او است، باز شناخت. باید اهداف و آرمانهای او را فهمید. این اندیشه و تأمل و بررسی و دقت و تدبیر و فهم و شناخت، مقدمه های تعهد آفرین برای اطاعتی تعبد آمیز از امام زمان علیه السلام است، و چنین اطاعتی عین اطاعت از خدا و

پیامبر علیه السلام است که غایت ایمان و اسلام به شمار می آید.

فرمان پذیری و اطاعت از امام علیه السلام

«انتظار در غیبت» و «اطاعت در ظهور» وصف دو گروه متمایز جدا از هم نیست. بلکه هر دو صفت، بیانگر وضع و حال یک گروه است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ»^(۱)؛ خوشا به حال شیعیان قائم ما! که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهورش و در دوران ظهورش سر نهاده به فرمانش هستند».

اطاعت کنندگان امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور، همانها هستند که در غیبت آن حضرت منتظرین او بودند؛ و چشم انتظاران امام زمان علیه السلام در هنگام غیبت، همانها هستند که در زمان ظهورش مطیع فرامین اویند.

برای شیعیان حقیقی، تفاوتی بین غیبت و ظهور حضرت ولیعصر «ارواحنا فداه» نیست. آنها حتی در زمان غیبت هم خود را در حضور حضرت می بینند. حالت مطیع بودنشان به گونه ای است که هر لحظه غیبت برای شان به منزله مقدمه ظهور است. آن گونه زندگی می کنند که هر زمان امامشان ظاهر گشت آنان را گوش به فرمان ببیند و تا پای جان آماده اطاعت بیابد.

از سوی دیگر این اصل مهم، مسلم است که امامت یک امام جز با اطاعت امت از او، و پیشوایی یک رهبر جز در سایه فرمان پذیری پیروانش، تحقق نمی پذیرد.

خدا هیچ پیامبری را نفرستاد مگر برای آنکه اطاعت شود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (۱).

و هیچ امامی را مقرر نداشت مگر آنکه مردم را به اطاعت و فرمانبری از او فرا خواند:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾. (۱)

امام زمان علیه السلام اگر چه در پس پرده غیبت است، اما اراده و فرمانش در تمام جهان آفرینش و همه خلایق جاری و نافذ است. بنابراین باید دستوراتش را شناخت، فرمان‌هایش را باید اطاعت کرد، حاکمیت او را باید گردن نهاد، و همین‌ها است که زمینه ظهور را فراهم خواهد آورد. چنانکه خود حضرت می‌فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الهی هم‌دل و هم‌پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.» (۲)

مگر نه این است که عهد الهی چیزی جز پرستش و بندگی خدا نیست؟ و این عبادت و بندگی جز با اطاعت

۱ - سوره نساء / آیه ۵۹.

۲ - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۷ / ح ۸.

محض ولیّ خدا تحقق پذیر نیست.

منتظرین حضرت مهدی علیه السلام همان نیکبختانی هستند که اگر در حضور او باشند، جز اطاعت نمی شناسند و جز به فرمان او کاری انجام نمی دهند.

و باز هم امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ اطاعت و فرمان پذیری

منتظرین از امام زمان علیه السلام افزون تر از اطاعت و فرمانبری کنیزی از مالک و مولای او است.» (۱)

اقتدا و تاسی

پس از شناخت امام معصوم، باید در تمام زمینه های زندگی فردی و اجتماعی به او اقتدا و تاسی جست. چرا که «اقتداء» از ریشه «قدوة» و به معنای الگو قرار دادن و جلودار دانستن مقتدا است، همانطور که «تاسی» از ریشه «اسوة» و به معنای اسوه قرار دادن و تبعیت کردن از اوست.

امام زمان علیه السلام امام همه دوران‌هاست، امام همه انسان‌ها در همه ابعاد زندگی است. چون او باید حرکت کرد تا به مقصد رسید. چون او باید زیست تا بتوان به رشد و کمال دست یافت.

آن که خود را صادقانه پیرو امام زمان علیه السلام می‌شمارد، به همان اندازه که ویژگی‌های او را می‌شناسد، در همسو کردن زندگی، همسان نمودن خُلق و خو، هم‌رنگ ساختن روش و اعمال و رفتار خویش با او، وظیفه دارد.

اگر امام زمان علیه السلام را به زهد و بی‌اعتنایی به دنیا شناختیم، چنانکه امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشَبُ؛ لباس قائم علیه السلام چیزی نیست جز پوشاکی خشن، و غذای او چیزی نیست جز طعامی خشک»^(۱).

دیگر نمی‌توان با ادعای پیروی از او حریصانه به دنبال دنیا بود و همت و تلاش خود را در نیکو پوشیدن و خوب

خوردن و لذت بردن خلاصه کرد.

کثرت دعاهای وارده از امام زمان علیه السلام و نمازهای طولانی مخصوص آن حضرت - در کتب روایی - بهترین نشانه این ویژگی است که آن حضرت عنایت و اهتمام خاصی به دعا و عبادت دارد، بنابراین نمی توان نسبت به دعاها بی تفاوت بود و در نماز و راز و نیاز با خدا سستی و کم توجهی روا داشت.

امام زمان علیه السلام عادل و عدالت گستر است، چرا که امام باقر علیه السلام می فرماید:

«يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبِرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ؛ امام زمان علیه السلام در بین آفریدگان خدا به عدالت رفتار می کند، چه نیکوکار باشند و چه بدکار» (۱).

بنابراین نمی توانیم با ادعای اقتدای به او بر بندگان خدا ستم کنیم و نسبت به ظلمی که بر دیگر بندگان خدا می شود، بی تفاوت بمانیم.

اینجاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:
 «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ
 قِيَامِهِ...؛ خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت پیامبر را
 درک کند در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیامش
 به او اقتدا نموده و حضرتش را به رهبری بپذیرد». (۱)

انتظار و منتظر

شخص منتظر، وقت نمی شناسد؛ صبح و شام
 نمی شناسد؛ گاه و بیگاه نمی شناسد؛ انتظار سوز شوقی
 است که به جان می افتد؛ شعله عشقی است که در دل
 می گیرد؛ تا جان به تن منتظران است و تا دل شان می طپد،
 انتظارشان می سوزاند و گرما می بخشد.

منتظرین فرج و ظهور امام زمان علیه السلام اگر در خانه اند یا در
 کوچه و بازار، اگر در بسترند یا در کشاکش کار، در تنهایی یا
 در اجتماع، در آسانی یا در سختی، در سلامت یا در

بیماری، در وطن یا سفر، در هر زمان و هر مکان، و در هر حال و فکر و ذکر که باشند مشغول به یارِ مورد انتظارند؛ که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ وَ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ؛ محبوب‌ترین کارها در نزد خدای عزوجل انتظار فرج است و بنده مؤمن همواره در حال انتظار به سر می برد». (۱)

منتظر همچون کسی است که در پی شب یلدایی، خسته از ظلمت و تیرگی، چشم به افق دوخته و دمیدن خورشید را انتظار می کشد.

منتظر همانند کسی است که در بیابانی بی انتها سرگردان مانده، تنها و وحشت زده، به انتظار رهنمایی لحظه شماری می کند.

منتظر مانند کسی است که پس از تشنگی بسیار، با پنجه‌های ضعیف و دردمندش، زمین را کنده و در انتظار و

آرزوی جوشش آبی گوارا نشسته و «له له» می زند.
منتظر همچون کسی است که در هنگام بالا رفتن از کوه،
 پایش لغزیده و دست به سنگی گرفته و هر لحظه خود را در
 معرض سقوط به انتهای دره‌ای تاریک و خوفناک می بیند،
 ولی با فریادهای خود نجات دهنده‌ای را می طلبد.
 پس باید انتظار کشید، باید دیده به راه امام زمان علیه السلام بود،
 باید هر صبح و شام چشم انتظار فرج ماند که امام
 صادق علیه السلام می فرماید:

«**اِنْتَظِرُ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛** در هر صبح و شام منتظر
 فرج باش!»^(۱)

این فرمان امام علیه السلام به انتظار، از نگاهی دیگر، نوعی خبر
 دادن، از نامعلومی زمان فرج است. به عبارت دیگر شاید
 مقصود این باشد که صبحگاهان منتظر باش، زیرا چه بسا تا
 شامگاهان فرج فرا برسد؛ و شامگاهان منتظر فرج باش،
 زیرا چه بسا تا صبحگاه بعدی ظهور امضاء گردد.

خلاصه اینکه انسان منتظر امام زمان علیه السلام، انسانی کوشاست و در مسیر اقامه دولت او و استقرار ولایتش از نثار هر چه دارد دریغ نمی ورزد؛ که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد» (۱).

به یاد او بودن

اگر کسی امام زمان علیه السلام را شناخت، دیگر یادش را از خاطر نخواهد برد.

اگر کسی مهربانی های او را دید، دیگر فراموشش نخواهد کرد.

اگر کسی احساس انس با امام زمان علیه السلام کرد، آنگاه همیشه به یادش خواهد بود.

۱ - کمال الدین / صدوق / ص ۴۶۵ و بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۲۳.

راستی! مگر می شود کسی که پدرش را، برادرش را، دوست مشفق و دلسوزش را از یاد نمی برد، امام زمانش را به فراموشی بسپارد؟!

حق کدامین پدر افزون تر از حقوق امام زمان علیه السلام است؟
کدام برادر مهربان تر از او است؟
دلسوزی چه دوستی بیشتر از دلسوزی ها و محبت های او است؟

او خود خطاب به شیعیانش می فرماید:
«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِئِينَ لِدِكْرِكُمْ»^(۱)؛ ما در
مراعات حال شما کوتاهی نمی کنیم و یادتان را از خاطر
نمی بریم».

وقتی او - که ذخیره همه هستی، ثمره همه رسالت ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه گاه همه نیکویی ها و زیبایی ها است - یاد شیعیان را از خاطر نمی برد، آیا رواست فراموشی آنان نسبت به آن امام

مهربان؟!

که می فرماید:

«... وَ لَوْلَا ذَٰلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ، وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^(۱)؛

اگر یاد او نبود بلاهای سخت بر شیعیان فرود می آمد و دشمنان آنان را نابود می کردند.

این که او به یاد شیعیانش است، و برای شان دعا می کند، و در فتنه های بنیان سوز دوران غیبت عنایت خویش را از آنان دریغ نمی دارد و باعث استقرار و استمرار حیات ایشان است، آیا رواست غفلت آنان از او و حقوق آن بزرگوار؟!

محبت به او و دوستانش

خدا محبت و مودت حضرت مهدی علیه السلام را در ضمن محبت سایر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر همگان واجب نمود.

۱ - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۵ / ح ۷.

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^(۱)؛ «بگو:

من از شما جز مودت و محبت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی خواهم».

دوستی و علاقه به اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام به عنوان اجر رسالت، نه منفعتی برای پیامبر دارد و نه بهره‌ای را نصیب امام زمان و اهل بیت علیهم السلام می‌سازد، بلکه تنها به نفع ایمان‌آوردگان است و بهره‌های بی‌پایان آنان را در دنیا و آخرت به همراه دارد:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾^(۲)؛ «بگو: هر اجر و

پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست».

در حقیقت همین مودت‌ها و محبت‌ها و علاقه و ارتباط‌های روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌آورد و سلوک انسان را در راستای اراده حق شکل می‌دهد.

۱ - سوره شوری / آیه ۲۳.

۲ - سوره سبأ / آیه ۳۷.

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾^(۱)؛ «بگو: من از میان شما این اجر رسالت را نمی‌طلبم، مگر از آن کسان که بخواهند راهی به سوی پروردگار خویش بیابند».

با محبت‌های امام زمان علیه السلام است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌آید و با اطاعت از او است که راه کمال انسان به سوی خدا هموار می‌شود.

نه تنها دوستی و محبت حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» تکلیف و وظیفه است که دوستی با دوستانش و دشمنی با دشمنانش نیز در همان راستاست و دشمنی با دوستان آن حضرت و دوستی با دشمنانش در جهت دشمنی با آن بزرگوار است.

شیعیان و منتظران ظهور آن حضرت را باید دوست داشت، از حال و احوال آنها باید جویا شد، در حد امکان و توان در رفع گرفتاری‌های شان باید کوشید و نسبت به آنها

ایثار نمود، و خطا کاران شان را بخشید و در طریق رشد و کمال اخلاقی و معنوی آنان باید تلاش نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ؛ خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» مرا درک کند در حالیکه در زمان غیبتش و قبل از قیامش اقتدای به او نموده، و دوست بدارد دوستانش را و دشمنی کند با دشمنانش».^(۱)

محبت، اساس و پایه دین، بلکه مساوی دین است.^(۲) دین خدا جز با تکیه بر محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام استقرار نمی یابد. از این رو انتظار حاکمیت و غلبه دین در جهان به نوعی انتظار جهانی شدن محبت و ولایت امام زمان علیه السلام است. و شاید به همین خاطر باشد که امام

۱ - بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۷۲ / ح ۱۴.

۲ - «هل الدين الا الحب؛ آیا دین چیزی به جز دوستی است؟» / امام صادق علیه السلام

تفسیر عیاشی / ج ۱ / ص ۱۶۷ و بحار / ج ۲۷ / ص ۹۵ / ح ۵۸.

زمان علیه السلام می فرماید:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مُحِبِّتِنَا؛ هر یک از

شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می کند عمل نماید».

از این رو اگر عبادت یا عملی مستحب یا دعا یا زیارتی خاص بتواند مقدمه‌ای برای ایجاد محبت بیشتر نسبت به امام زمان علیه السلام باشد، انجام آن وظیفه‌ای خواهد بود که با فرمان صریح آن بزرگوار بر عهده شیعیان قرار گرفته است.

ادای حقوق امام زمان علیه السلام

حق امام زمان علیه السلام بر همه بندگان خدا و به ویژه بر شیعیان، حق حیات است. حق هدایت است. حق نیست که بتوان آن را با معیاری سنجید و ارزش گذاری کرد. حق نیست که بتوان آن را با دنیا و هر چه در آن است مقایسه کرد.

با این همه در برخی توقیعات مبارکه و دعاها و زیارات

شریفه، سخن از حقوق امام زمان علیه السلام به میان آمده است. این حقوق بدون تردید، رعایت حق امامت او، شناخت و مواظبت بر اطاعت او، نرنجانیدن قلب مبارک او، پاسداری از آرمان‌های او، مجاهدت در راه دفاع از او، و جان‌نثاری در راه تحقق خواسته‌های او است.

در راستای ادای حقوق امام زمان علیه السلام باید در راه دفاع از ارزش‌های ولایت از مال و امکانات و توانایی‌ها مایه گذاشت؛ و بالاتر از آن در راه مبارزه با شیطان و خواسته‌های نفسانی، از لذتها، از خوشیها و از آرزوها صرف‌نظر کرد؛ و در مقابل وسوسه‌های مستمر شیطان و جاذبه‌های پیوسته گناه و فریبندگی نیرومند گناه، مقاومتی سخت و طولانی داشت.

«وَاعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ^(۱)؛ خداوندا! ما را در ادای حقوق او یاری فرما».

با چنین دیدگاهی، اگر سخن از پرداخت حقوق شرعی

امام زمان علیه السلام و برخی وجوهات مادی نیز به میان می آید، باید آن را در همین راستا بررسی کرد؛ چنانکه خود آن بزرگوار در توقیعی فرمود:

«إِنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ ... وَ أَخْرَجَ مِمَّا عَلَيْهِ إِلَى مُسْتَحِقِّهِ كَانَ آمِنًا فِي الْفِتْنَةِ الْمُبِطِلَةِ^(۱)؛ همانا هر کس تقوای پروردگارش را پیشه کند و از آنچه که به عنوان حقوق شرعیه - خمس و زکات - بر عهده دارد به مستحقانش پردازد، از فتنه‌های باطل‌کننده دین و دنیا در امان خواهد بود».

سخن در باب وجوب ادای چنین حقوقی این نیست که امام زمان علیه السلام چه بهره‌ای از آن می برد، بلکه سخن از این است که شیعه حق شناس، در راستای حفظ دین و ایمان خویش، چه منفعتی برایش حاصل می آید.

۱ - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۷۶ / ح ۸ / نامه امام زمان علیه السلام به شیخ مفید.

پرهیزکاری

معیار و اساس کرامت در اسلام چیزی جز پرهیزکاری و دوری از گناه نیست. (۱)

پس اگر قرار باشد انتظار فرج و دیده به راه حاکمیت اسلام و قرآن دوختن، فضیلت و کرامت مؤمنین به شمار آید، هرگز خارج از مدار تقوی نمی تواند باشد.

اجر و مقام منتظران اگر همپایه جهادگران در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شهیدان به خون فتاده در برابر او قرار می گیرد، به یقین چنین درجه و پاداشی جز در سایه جهاد با نفس و پیروزی بر شیطان درون و پرهیز از گناه و معصیت دست یافتنی نیست.

دامن آلودگان به خبثت گناه، اگر در فراق یار، به ظاهر، خون از دیده ببارند باز هم در شمار منتظرین نیستند.

آشنایان بالذات های شیطانی و کامرانی های نفسانی، اگر

۱- إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ. (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)

بحار الانوار / ج ۷ / ص ۲۳۹ / ح ۴.

در هجر امام زمان علیه السلام عمری را ناله برآورند باز هم به ساحت مقدس انتظار راه نمی یابند.

با بی مبالائی و عدم پرهیز از گناه، حتی خود را شیعه نمی توان نامید^(۱) تا چه برسد خود را شیعه منتظر دانستن و یا خود را یاور امام زمان علیه السلام به شمار آوردن.

و بدین خاطر است که امام صادق علیه السلام دوری از گناه را همراه و همدوش انتظار شمرده است:

«اجْتِنَابُ الْمَخَارِمِ وَ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^(۲)

و در جای دیگر انتظار و پرهیزکاری را در کنار هم، شرط یاری امام زمان علیه السلام قرار داده است:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»^(۳)؛ هر کس شادمان می شود به اینکه از یاوران حضرت قائم علیه السلام باشد، پس

۱ - «... لن ينالوا ولايتنا الا بالورع». بحار الانوار / ج ۶۸ / ص ۵۸ / ح ۱۰۶.

۲ - شیخ صدوق / خصال / ج ۲ / ص ۷۹.

۳ - بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۴۰.

انتظار بورزد و بر اساس تقوی و خوش خلقی رفتار نماید، در حالیکه منتظر است».

قابل دقت است که فرموده «پرهیزکار باشد»، بلکه فرموده «بر اساس پرهیزکاری عمل کند».

پرهیزکاران منتظر، اهل فرار از صحنه‌های عمل و مسئولیت نیستند. به بهانه پرهیزکاری راکد و ساکن نمی‌نشینند، بلکه پرسوز و پرتوان مسئولیت می‌پذیرند و به میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی قدم می‌نهند، اما همواره مواظب و مراقبند که مبادا در دام گناه گرفتار آیند و یا قدم در محدوده گناه و نارضایتی خداوند نهند.

اخلاق شایسته

منتظران امام زمان علیه السلام که او را مظهر کامل اخلاق ربّانی و آئینه تمام‌نمای آداب الهی می‌دانند، چگونه ممکن است اخلاقی زشت و آدابی ناپسند داشته باشند؟ آنان که امام منتظر خویش را همچون جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تکمیل کننده مکرمت‌های اخلاقی می‌شمارند و ظهور حکومت او را استمرار بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج بخشیدن به فضیلت‌های معنوی به شمار می‌آورند، چگونه است سریره و سیرتی رذیلانه داشته باشند؟

در حدیثی که اندکی پیشتر درباره همدوشی و همراهی انتظار و ورع ذکر شد، خوش خلقی نیز به عنوان عاملی تعیین کننده در کسب افتخار یاوری قائم علیه السلام به شمار آمده بود.

«آن کس که می‌خواهد در زمرة اصحاب حضرت مهدی علیه السلام درآید باید که منتظر باشد و در عین منتظر بودن، بر اساس ورع عمل نماید و دارای خلق و خوئی پسندیده و نیکو باشد.» (۱)

و نیز در همین مورد است کلام دیگر آن بزرگوار که معاشرت نیکو و برخورد خوب با همسایگان را از ویژگیهای منتظران می‌شمارد.

«وَإِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ وَحُسْنِ الصُّحْبَةِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ»^(۱).

آمادگی و آماده‌سازی

اینکه زمان ظهور و پایان یافتن غیبت حضرت مهدی علیه السلام از امور غیبی شمرده شده، و اینکه خداوند امر فرج او را به ناگهان در یک شب امضاء خواهد فرمود، و اینکه ما را در هر صبح و شام به انتظار فرج فرمان داده‌اند، همگی برای حفظ آمادگی همیشگی در جهت پاسخگویی به ندای یاری خواهی آن امام بزرگوار می‌تواند باشد.

شیعه‌ای که می‌خواهد از جمله یاران امام خویش باشد، منتظری که می‌خواهد در زمره رزمندگان رکاب مولای خود به حساب آید، رزمنده‌ای که می‌خواهد به محض ورود فرمانده، دوشادوش او و پایپای او در فتح همه کاسخهای ستم و افراختن پرچم اسلام بر فراز همه بام‌های جهان سهیم باشد، هرگز بدون آمادگی سر بر بستر استراحت

۱ - بحار الانوار / ج ۱۰ / ص ۳۶۱ / ح ۲.

نمی‌گذارد. چنین کسی حتی اگر می‌خواهد سلاح آماده خویش را در زیر متگای خود حفظ می‌کند.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾^(۱)؛ برای رویارویی با

کافران و مستکبران هر چه توانایی دارید تجهیزات فراهم آورید و سلاح آماده کنید.

چنین کسی نه فقط همواره خود را آماده نگه می‌دارد بلکه دیگران را نیز برای آماده شدن برمی‌انگیزاند.

او نه فقط خود نیرومند و مسلح است، بلکه دیگران را هم به نیرومند شدن و مسلح گشتن ترغیب می‌کند، زیرا خود این آماده‌سازی دیگران و نیرومند و مسلح ساختن آنان نیز در راستای یاری رساندن به مولای غایب از نظر است، و منتظرِ یاور، همیشه آماده برای یاری است.

«وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ»^(۲)؛ یاری من آماده برای شماست.

از نگاهی دیگر شیعه منتظر، آماده‌سازی زمینه برای

۱ - سوره انفال / آیه ۶۰.

۲ - فرازی از زیارت «آل یس».

ظهور را، وظیفه خویش می شمارد.

برای زمینه سازی ظهور باید عِدّه و عُدّه فراهم کرد. فراهم آمدن نیروها و امکانات برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام تنها بسته به معجزه نیست.

باید همت کرد، **باید** دیگران را با امام علیه السلام آشنا کرد، **باید** یاور پرورید، **باید** این حجاب غیبت را - که چهره جهان افروز آخرین خورشید آسمان امامت و عصمت را پوشانده است - با آگاه سازی مردم و انگیزش ایمان و تعهد در آنان برطرف ساخت. زیرا خود فرمود:

«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ

مِنْهُمْ»^(۱)؛ آنچه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی نیست جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می رسد».

۱ - احتجاج طبرسی / چاپ اسوه / ج ۲ / توفیق شریف خطاب به شیخ مفید /

یاری رسانی به دیگران

در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام که فتنه‌ها فزونی می‌گیرند و نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، بسیاری کسانی که تحت ستم قرار می‌گیرند و از حقوق مسلم خویش محروم می‌مانند.

شیعه منتظر اگر چه نتواند تغییری بنیادین در جامعه‌اش ایجاد کند، حداقل تا آنجا که توان دارد ضعیفان و بیچارگان را دستگیری می‌نماید، به فقیران و مستمندان عطف می‌ورزد، و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی‌کند. حفظ اسرار دیگران می‌کند، تحمل مسئولیت می‌نماید، در رفع مشکلات دیگران می‌کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی‌اندازد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک کنند، و توانگران به مستمندان برسند، هر يك از شما باید چنانکه نیکخواه و نیکفرمای خود است نیکخواه و نیکفرمای برادر دینی خود

باشد، شما باید اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فاش نسازید، و مردم را بر سر ما نشورانید... اگر این چنین بودید و بدین گونه که سفارش می کنیم رفتار کردید... هر یک از شما اگر از جهان درگذرد و قائم ما را درک نکرده باشد شهید به شمار خواهد آمد...»^(۱)

و به راستی یکی از زیباترین جلوه های بُعد اجتماعی انتظار همین یاری رسانی هاست. کسی که خود را آماده می کند تا در دوران ظهور، در رکاب امام قائم علیه السلام خویش، برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی، جهاد و مبارزه داشته باشد، اینک در دوره غیبت نسبت به رنج ستمدیدگان و محرومان و بیچارگان چگونه می تواند ساکت و بی تفاوت باشد؟!

قوت و مکنت و خیرخواهی اش ابزارهایی هستند که به کارگیری آنها در محدوده بسته اجتماعی اش، نشانه آمادگی او برای بهره گیری از آنها در گستره وسیع دنیای پس از ظهور است.

دفاع از امام زمان علیه السلام

این سنت خدا است که در همیشه تاریخ، حق و باطل در ستیز بوده و هستند. هیچ پیامبری را خدا نفرستاد مگر آنکه دشمنانی از جن و بشر در مقابل او به صف آرایبی پرداختند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ﴾^(۱)

امام زمان علیه السلام نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به خاطر اهمیت نقش او در حاکمیت جهانی توحید و عدل، همه ستم‌بارگان و مستکبران و جهان‌خواران، در همه ادوار تاریخ پر فراز و نشیب غیبت، به ستیزه‌ای همه جانبه با او برخاسته‌اند.

در عصر حاضر نیز همه قدرت‌ها، همه سازمان‌ها و همه کسانی که با آگاهی از اندیشه مهدویت، عالمگیر شدن پیام اسلام و قرآن را پیش‌بینی می‌کنند، مبارزه‌ای بی‌امان را

پیگیری می نمایند.

آنانکه وحدت جامعه اسلامی و ایمانی را هدف حملات خود قرار داده اند، و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و اولاد معصومش را تضعیف می کنند و آنان که قرآن و معارف انسان ساز آن را بی اهمیت و بدون کارآیی جلوه می دهند؛ هر کدام، به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم آرمان هایی را که باید به دست امام زمان علیه السلام تحقق یابد به مخاطره می اندازند و در حقیقت با او و پیام های او عداوت و دشمنی می ورزند.

شیعه منتظر در دوران غیبت، هرگاه اهداف و ارزشهای مکتب انتظار را که همان اهداف و ارزشهای اصیل اسلامی است در مخاطره و مورد تهاجم ناجوانمردانه دشمنان دین ببیند از پای ننشسته و به دفاع برمی خیزد، او در هر لحظه و در هر مقطع از زمان و مکان خود را برای یاری امام زمانش آماده می سازد^(۱)، از آنجا که یاری او را، یاری اهداف و

۱ - «و نصرتی لکم معدة». زیارت جامعه کبیره.

آرمان‌های او می‌شمارد، بدون این که فرقی بین غیبت و ظهور قائل باشد در مقابل توطئه‌ها و عداوت‌های دشمنان امام زمان علیه السلام به دفاع از مولای خویش می‌پردازد و با تمام وجودش جانفشانی و جانبازی می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ^(۱)؛

یاران مهدی علیه السلام او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها با جان‌های خویش از او حمایت و حفاظت می‌کنند و هر چه بخواهد از جان و دل انجام می‌دهند».

پنهان‌کاری در برابر دشمن

شیعه منتظر در دوران غیبت مولایش، در برابر دشمنان دین و مذهب، تقیه را شعار خویش در عمل و گفتار قرار می‌دهد، او پیوسته به گونه‌ای زندگی می‌کند که هیچ‌گونه

۱ - ملاحم و فتن / سید بن طاوس / چاپ نجف / ص ۵۲؛ و بحار الأنوار / ج

بهبانهای دست دشمن نداده و اجازه نمی‌دهد که کردار و گفتارش، آبی در آسیاب دشمنان و بدخواهان امام زمان علیه السلام به جریان اندازد.

در بسیاری روایات، نسبت به رعایت تقیه به ویژه در دوران قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأکید فراوان شده است، تا آنجا که عدم تقیه را موجب عدم ایمان شمرده‌اند، یا در فرمایشی دیگر آن را موجب بی‌دینی دانسته‌اند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ تَقِيَّةَ دِينِ مَنْ وَ دِينِ پدران من است، و کسی که تقیه نمی‌کند ایمان ندارد».^(۱)

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ نُهَ دَهْمَ دِينِ دَر تَقِيَّةِ اسْت، وَ کسی که تقیه ندارد دین ندارد».^(۲)

به یقین چنین تقیه‌ای نه بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت،

۱ - وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۵۴۴؛ و بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۴۳۱ / ح ۹۲.

۲ - همان.

نه ابزاری برای محافظت از منافع مادی، و نه حتی دستاویزی برای فرار از مرگ است، بلکه سپری و سلاحی در راستای مبارزه با معاندان و ستمگران، و روشی برای پاسداری از کیان اسلام و مسلمین است.

در شرایط ویژه‌ای همچون زمان غلبه مستکبران، گاهی حفظ جان یک رهبر و یا حتی یک مسلمان عادی که ثمره‌ای بر کشته شدن او مترتب نیست و مجوز شرعی ندارد، اقتضاء می‌کند که برای در امان ماندن از صدمات دشمن، باید به شرایط تقیه عمل شود.

گاهی نیز به خاطر در امان ماندن از افشای تحرکات اجتماعی مسلمانان، و مکتوم ماندن نقشه‌هایی که برای تقویت اسلام و تضعیف جبهه کفر و نفاق طراحی شده‌اند، باید تقیه را شعار خود قرار داد؛ و این چیزی است که خصوصاً در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان عاملی برای بقای شیعیان مخلص، و به منزله تضمینی برای آماده‌سازی دوران ظهور، ضرورت دارد.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «آنکس که پرهیز از گناه ندارد، دین ندارد. و آنکس که تقیه نمی کند ایمان ندارد. همانا گرامی ترین در نزد خداوند، کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند.

پرسیده شد: تا کی؟ ای پسر رسول خدا!

فرمود: تا روز تعیین شده که روز ظهور قائم ما اهل بیت است. **«پس هر کس قبل از قیام قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.»**^(۱)

در پرتو همین اصل تقیه است که می توان در صف دشمن - چه دشمنان فرهنگی، و چه دشمنان مرز و بوم اسلامی - رخنه کرد و جبهه آنان را از درون متلاشی نمود. لکن متأسفانه بسیاری از شیعیان به جای شناخت درست و استفاده به موقع از این وسیله مطمئن، بیشتر، دشمنان را تحریک می کنند و حساسیت آنان را افزایش

۱ - کمال الدین / شیخ صدوق / ص ۳۷۱؛ و بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۴۱۱ / ح

می دهند و مشت بسته خود را پیش آنان می گشایند؛ و چه بسا ممکن است ظهور امام زمان علیه السلام به تأخیر افتاده، و با چنین رفتارهای غیرمسئولانه‌ای آن حضرت رنجیده خاطر گردد.

صبر و استقامت

شبهه‌های تردید آفرین و مشکلات فراوان و فشارهای گوناگونی که از سوی مخالفین اسلام و تشیع بر شیعیان چشم‌انتظار وارد می‌آید، و فتنه‌های تاریک و مشکلات بسیار سخت و طاقت‌فرسایی که بر سر راه دینداران و پیروان ولایت و امامت ایجاد می‌شود؛ حیرت و بی‌پناهی و احساس تنهایی، آنان را، چنان طاقت‌فرسا و شکننده می‌نماید که برای منحرف شدن، و ناامید نگشتن، و از انتظار دست برنداشتن، استقامتی چون کوه و صبری همچون ایوب را بایسته است.

لغزیدن و از راه منحرف شدن، مأیوس گشتن و از صف

منتظرین بیرون رفتن، بر ظهور دیده فرو بستن و به روزمرگی و نان به نرخ روز خوردن، سرنوشت محتوم غیر صابرین است.

بی جهت نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلٰى مَحَبَّتِهِ! (۱)»

خوشا به حال صبرکنندگان در دوران غیبت مهدی علیه السلام!

خوشا به حال پابرجایان در مقام محبت او!

و در جای دیگر دست به دعا برداشت و عرض کرد:

«پروردگارا! برادرانم را به من بنمایان!»

یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در جمع حاضر بود گفت:

آیا ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا؟!!

آن حضرت فرمود: «نه! شما اصحاب من هستید. و

برادران من قومی در آخر زمان هستند که به من، ندیده

ایمان آورند...»

۱ - الزام الناصب / ص ۱۸ و ینایع المودة / ج ۳ / ص ۱۰۱ و بحار الانوار / ج

۳۶ / ص ۳۰۶ / ح ۱۴۴.

و بعد چونانکه بخواهد سرّ این همه تکریم و تعظیم را بنمایاند از استقامت و صبرِ سختِ منتظران فرمود:

«لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةٍ عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظَّمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا أَوْلَيْكَ مَضَابِيحِ الدُّجَى» (۱)

سختی استقامت هر یک از آنان بر دین خود، بیشتر از سختی کسی است که در شبی ظلمانی بخواهد بوته خاری را با دست خود از خار بپیراید، یا کسی که بخواهد ذغال گداخته سوزانی را در مشت بگیرد. آنان چراغ‌های فروزان شبهای ظلمانی اند.

امتحانات الهی یکی پس از دیگری برای مؤمنین پیش می‌آید و میزان صبر و استقامت آنان را به بوته امتحان می‌گذارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«امر فرج برای شما نمی‌رسد مگر پس از نابودی، نه به خدا سوگند! نمی‌رسد مگر پس از آنکه خوب و بد از هم

۱ - بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۲۳ / ح ۸ و الزام الناصب / ص ۱۳۷.

جدا شوند، نه به خدا سوگند! نمی‌رسد مگر پس از آنکه در اثر آزمایشات گوناگون، خالص و پاک شوید»^(۱).

اساساً انتظار با آن همه فضایل و برکاتی که دارد جز با صبر و شکیبایی حاصل نمی‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ»^(۲)؛ به وسیله صبر و استقامت، منتظر فرج بودن، عبادت است».

و امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ إِنْتَظِرِ الْفَرَجِ ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ...»^(۳)؛

چه نیکو است شکیبایی به همراه انتظار فرج ... بر شما باد! استقامت و شکیبایی».

آیا می‌توان پذیرفت که اجر منتظرین برابر اجر هزار شهید همانند شهدای بدر و احد باشد^(۴)، و انتظار، بالاترین

۱ - کمال الدین / ج ۲ / ص ۳۴۶ و بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۱۱ / ح ۲۰.

۲ - بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۴۵.

۳ - همان / ص ۱۲۹.

۴ - همان / ص ۱۲۵.

عبادت، بلکه بالاترین جهاد امت پیامبر به شمار آید. (۱) با این همه بدون استقامت و پایداری لازم، حاصل گردد؟ آیا می شود قبول کرد که منتظران حضرت مهدی علیه السلام همچون مجاهدان شهید به خون غلطیده در راه خدا باشند (۲)، اما این درجه والا را بدون تحمل سختی ها و مرارت ها و شکنجه های فراوان به دست آورند؟

که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مُحَبَّتِهِمْ» (۳) خوشا به حال شکیبایان در غیبت مهدی علیه السلام، خوشا به حال آنانکه بر راه اهل بیت ثابت قدم می مانند.

۱ - بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۱۵۶.

۲ - همان / ج ۵۲ / ص ۱۲۳.

۳ - همان / ص ۱۴۳ و بحار الانوار / ج ۳۶ / ص ۳۰۶ / ح ۱۴۴.

اطاعت و پیروی از فقها و عالمان ربانی

پنهان زیستی ولی عصر «ارواحنا فداه» هرگز به معنای وانهادگی پیروان او نیست.

غیبت امام زمان علیه السلام هرگز به معنای تعطیل امامت او نیست.

پنهان بودن حضرت مهدی علیه السلام از دیده‌ها به معنای معطل ماندن اصول و فروع دین نیست.

امام در زمان غیبت هم، به لوازم امامت عمل می‌فرماید. ثمرات وجودی او همیشگی است، تأثیرات عملی او هم به دلیل عقلی، و هم به شهادت تجربه‌های فراوان اثبات‌شدنی است.

او اگر چه بنا به حکمت‌های الهی، پنهان از دیدگان مردم عادی زندگی می‌کند، اما نشانه‌های حضور او در نزد اهل بصیرت آشکار است.

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا

نَزَحَ عَنَّا^(۱)؛ جانم به فدای تو! غایب شده‌ای که بیرون از ما نیست، جانم به فدای تو! دور از وطنی که از ما دور نیست.»
 «إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي خَالِ هُدْنَةٍ لَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ مَثْبُوتٌ عَلَيْهِ^(۲)؛ اگر چه در آرامش دوران غیبت، شخص او از دیدگان مردم پنهان است، اما دانش ثابت شده او از دیده بصیرت آنان پنهان نمی ماند.»

هم او به حال مردم آگاه است و هم آگاهی‌های به ودیعت نهاده شده او در نزد مردم، حاضر است.
 مردم اگر چه او را نمی بینند، اما فرمان‌هایش را می پذیرند.

و بدین گونه است که نقش فقیهان وارسته و به دور از هوی و هوسهای نفسانی - که نمایندگان امام زمان علیه السلام هستند - نمایان می گردد.

مردم با فرمانبری از فقیهان، فرمان امام معصوم خویش

۱ - دعای ندبه.

۲ - منتخب الاثر / ص ۲۷۲.

را اطاعت می‌کنند. زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، ضَائِنًا لِنَفْسِهِ، خَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»^(۱)؛ هر کس از فقیهان که نگهدارنده دین و نگاهبان جان و مخالف هوای نفس خود و اطاعت کننده فرمان مولای خویش باشد، بر مردم است که از او تقلید و تبعیت کنند.

و هم او شیعیانش را وانهاد و رها نساخته، بلکه تکلیف‌شان را در دریافت احکام دین و مسائل زندگی روشن و مشخص نموده است، در توقیعی که برای یکی از عالمان ربانی صادر شده می‌فرماید:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^(۲)؛ در پیشامدهای روزگار به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم.

۱ - بحار الانوار / ج ۲ / ص ۸۸.

۲ - همان / ج ۵۳ / ص ۱۸۱.

با چنین دیدگاهی است که «فقیه» استمرار دهنده خط امامت امام زمان علیه السلام و پاس دارنده مرزهای ولایت آن بزرگوار، و منعکس کننده فرمایشات و فرمان‌های او به پیروان و ارادتمندان او است. بنابراین بر هر شیعه منتظری لازم است که در به دست آوردن احکام دین و چگونگی انجام وظایف و مسئولیت‌های دینی، فردی و اجتماعی اش به فقیهی - که دارای شایستگی‌های مطرح شده از سوی امام علیه السلام است - مراجعه نماید.

دعا برای امام زمان علیه السلام

دعا نمودن خواستنی ساده نیست، طلب کردنی معمولی نیست، بلکه ایمان به خدا و قدرت مطلق اوست، باورداشت سبب‌سازی و سبب‌سوزی اوست، جهت‌بخشی به خواسته‌هاست، نوعی تطبیق دادن یا خواست مطابقت بین مطلوبات مورد نیاز بشر، با اراده و مشیت خداست.

دعا جلوه گاه نیاز است، دری به سوی رحمت پروردگار است، کلید باب اجابت است. دعا اساس عبادت، روح عبادت و مغز عبادت است. (۱)

بدون دعا، لذت انس با خدا، شیرینی ارتباط با معبود، حلاوت قرب به پروردگار نصیب آفریدگان او نمی شود. بدون دعا، اوج بندگی خدا دست نیافتنی است.

بدون دعا، بندگان خدا از عنایت او محروم می مانند.

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاءُكُمْ﴾ (۲)

در دوران غیبت امام زمان علیه السلام نیاز منتظرین آن حضرت به دعا بیش از هر زمان دیگری است. زیرا از رحمت حضور خلیفه رحمان محروم مانده اند و درماندگی و اضطراب را با تمام وجود حس کرده اند.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دُعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ (۳)

۱ - نهج الفصاحة.

۲ - سوره فرقان / آیه ۷۷.

۳ - سوره نمل / آیه ۶۲.

شیرین و در عین حال شگفت است که مردم ما در هر بلا و مصیبت و برای شفای هر مریض و حلّ هر مشکل و روا شدن هر حاجتی، آیه‌ای را می‌خوانند که به گونه‌ای صریح آنان را به دعا برای امام زمان علیه السلام و برطرف شدن بلای غیبت و به خلافت رسیدن مؤمنان تشویق می‌کند.

«کیست - غیر از خدا - آن کس که درمانده را - وقتی که دعا می‌کند و او را می‌خواند - اجابت کند و گرفتاری او را برطرف کند و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟»

این آیه به امام زمان علیه السلام و منتظران او تأویل شده است. (۱)

باید برای امام زمان علیه السلام دعا کرد، برای سلامتی او، برای ایمنی او، برای عزّت او، برای نصرت و تأیید او، برای تعجیل ظهور او، برای تحقق اهداف او، باید همیشه خدا را خواند.

۱ - المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجّة / ذیل آیه شریفه و بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۴۸ / ح ۱۱.

امامان بزرگوار که پیشوایان راه سعادت بشریت‌اند، هم خود برای امام زمان علیه السلام و ظهورش دعا کرده‌اند و هم دیگران را به چنین دعایی دعوت کرده‌اند.

یونس بن عبدالرحمان گوید: امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای صاحب الامر علیه السلام امر می‌فرمود: «إِنَّ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ كَانَ يَأْمُرُ بِالِدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ»^(۱). و امام حسن عسکری علیه السلام دعای برای فرج آن حضرت را راز و رمز مصون ماندن از فتنه‌ها، گمراهی‌ها و ضلالت‌های دوران غیبت می‌داند تا آنجا که می‌فرماید: «به خدا سوگند! (او) غیبتی می‌کند که در آن غیبت از هلاکت و گمراهی نجات نمی‌یابد مگر کسی که خداوند او را برای مان به امامتش پایدار داشته، و به دعا برای تعجیل در فرجش توفیق دهد».^(۲)

دعا برای فرج

دعا برای فرج در بین همه دعاها از ویژگی خاصی

۱ - بحار الانوار / ج ۹۵ / ص ۳۳۰.

۲ - همان / ج ۵۲ / ص ۲۳.

برخوردار است، دهها روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در ترغیب مؤمنین به چنین دعایی وارد شده، و علاوه بر آن دهها دعای کوتاه و بلند مشتمل بر سوز و گداز برای تعجیل فرج از ناحیه آن بزرگواران روایت گردیده است که گواه گویایی بر اهمیت این دعا و اهتمام آنان به چنین دعایی به شمار می آید.

انگیزاننده ترین تعبیرات این روایات، فرمایشاتی است که دعای برای فرج را قرین و همراه همیشه انتظار^(۱)، بلکه مصداق چشم‌انتظاری و تحقق بخش انتظار فرج می‌شمارد، و دعاکننده را از خاصان یاوران حضرت مهدی علیه السلام به حساب می‌آورد.^(۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هرکس بر بلا شکینا باشد و به وسیله دعا چشم‌انتظار

۱- «علیکم بالدعاء و انتظار الفرج». مهج الدعوات / ص ۴۱۴ / و بحار الانوار / ج ۹۵ / ص ۳۳۶.

۲- بحار الانوار / ج ۶۲ / ص ۷۰ / روایت ۲۳ / باب ۵۰.

فَرَجَ از سوی خدا باشد، از خاضان به شمار می آید.»

و امام زمان علیه السلام خود می فرماید:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ^(۱)؛ برای

تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید، همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود.»

دعا کنید؛ اگر شیعه چشم انتظارید باید برای نزدیک تر

شدن فرج دعا کنید.

بسیار دعا کنید؛ اگر فتنه های دوران غیبت را دریافته اید

و اهمیت ظهور را می دانید، باید بسیار دعا کنید.

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید؛ که همانا همین دعا

کردن فرج و گشایش شما است.

با همین بسیاری دعا است؛ که بصیرت شما افزایش

می یابد و در شناخت عوامل فتنه توانا تر می شوید.

با همین بسیاری دعا است؛ که امیدتان به پیروزی

فزونی می گیرد و توان استقامت بیشتر می یابید.

با همین بسیاری دعا است؛ که بازوان همّت تان قدرتمندتر می شود و روح مقابله با باطل در درون تان اوج می گیرد.

با همین بسیاری دعا است؛ که خدا عنایت خاصّه اش را شامل حال شما می گرداند و تأثیرات و توفیقاتش را نصیب شما می سازد.

و اینها خود والاترین مصادیق فرج و روشن ترین جلوه های گشایش اند. (۱)

ندبه و زاری

غیبت حضرت مهدی علیه السلام برای همه شیعیان، بلکه برای همه مسلمانان بلایی سخت و ابتلایی بزرگ به شمار می رود. (۲)

۱ - در کتاب مکیال المکارم / ج ۱ / مورد ۹۰، از ثمرات و فوایدی که از دیدگاه مؤلف آن، بر دعا برای تعجیل فرج مترتب است بر شمرده شده است.
 ۲ - کمال الدین / شیخ صدوق / ص ۳۳۵.

دوری از امام زمان علیه السلام، دوری از سرچشمه نور است، و غیبت او همچون نهانی خورشید است که ظلمت را بر سرپرده هستی می‌گسترده و ضلالت و سرگشتگی بندگان خدا را باعث می‌شود.^(۱) در چنین شرایط سختی گریه و زاری بندگان در پیشگاه خدا می‌تواند راه نجاتی بگشاید و باران اشک بلازدگان می‌تواند شعله‌های فتنه را خاموش سازد.

﴿وَ أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ﴾؛^(۲)
 «آنان را به سختی‌ها و گرفتاری‌ها و شداید روزگار مبتلا می‌سازیم، شاید که به درگاه خدا تضرع و زاری نمایند.»
 این سنت بی‌بدیل خداست که سرنوشت آدمیان را بر اساس انگیزه‌ها و عمل‌کردهای آنان تقدیر می‌فرماید، تا آنان را در اثر ناسپاسی‌ها، پیمان شکنی‌ها، شرارت و نافرمانی‌های خود آنان، به گرفتاری‌های فراوان و مشکلات

۱ - همان / ص ۳۴۲.

۲ - اعراف / آیه ۹۴.

طاقت فرسا دچار می سازد، اما همواره بر اساس رحمت و عطوفت خویش به برکت یک بازگشت پشیمانانه و درخواست ملتمسانه و گریه عاجزانه، رهایی و آسانی را جایگزین گرفتاری و مشکلات می سازد.

«وجود امام زمان علیه السلام لطف است و غیبت او از

ماست.» (۱)

غیبت پی آمد کفران نعمت ولایت است، نتیجه قدرناشناسی انسان‌ها نسبت به مقام عظمای امامت است، اثر طبیعی سوزاندن پرچم هدایت و درهم شکستن کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام است، و چه زیباست که در روایات فرموده‌اند:

«لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ؛ از غیبت و

مشکلات آن نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند - یا چونان انسان گرفتار شده در غرقاب، با نهایت

۱ - کلامی مشهور از مرحوم خواجه نصیر طوسی.

بیچارگی و شدتِ اضطرابِ خدا را بخواند -»^(۱)
 و همین است سرّ این همه تأکید بر مداومت نسبت به
 دعای ندبه، دعای زاری منتظران، دعای گریه
 چشم‌انتظاران، دعای ندبه‌ای که در آن می‌خوانیم:

**«تا کی سرگشته و سرگردان تو باشم؟ مولای من!
 تا کی و با چه بیانی تو را بستایم و چگونه نجوا سرکنم؟
 بر من سخت است که از غیر تو پاسخ شنوم و جز تو
 دلداریم دهد.»**

**بر من سخت است که من بر تو بگیریم و دیگران تو را
 واگذارند.»**

**بر من سخت است که سختی‌ها نه بر آنان بلکه بر تو
 وارد آید.»**

**آیا کمک دهنده‌ای هست که پا به پای او ناله‌های
 طولانی و گریه‌های همیشگی داشته باشم؟**

آیا زاری کننده بی‌تابی هست که در تنهایی‌هایش با

زاری و بی‌تابی خود یاریش کنم؟
 آیا چشمی هست که خار در آن خلیده باشد و چشمان
 من در ناراحتی و درد این خار خلیدگی، با آن همراهی کند؟
 آه! ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله آیا به سوی تو راهی هست تا
 شرف دیدار حاصل آید؟»

وظایف شیعیان در دوران غیبت

وظایف و تکالیف شیعیان را در دوران پر رنج و محنت
 غیبت به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- آنچه در روایات این باب، با لفظ امر وارد گردیده به
 عنوان تکلیف شمرده شده است. مانند:

«أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا
 کنید.» (۱)

«فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً؛ هر صبح و شام

چشم انتظار فرج باشید». (۱)

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مُحِبَّتِنَا؛ هَرِ يَكُ مِنْكُمْ
شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند،
عمل نماید». (۲)

۲- آنچه در باب صفات شیعیان و منتظران، مورد تأکید

اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است، مانند:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ فِي مُحِبَّتِهِ؛

خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال
دوستان او». (۳)

«الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ ... الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛

منتظران ظهور امام زمان علیه السلام در پنهان و آشکار، مردم را به
دین خدا دعوت می‌کنند». (۴)

۱- همان / ج ۲ / ص ۳۳۷ / ح ۱۰.

۲- احتجاج طبرسی / چاپ اسوه / ج ۲ / ص ۵۹۹ و بحارالانوار / ج ۵۳ / ص

۱۷۵ / ح ۷.

۳- الزام الناصب / ص ۱۸ و ينابيع المودة / ج ۳ / ص ۱۰۱ و بحارالانوار / ج ۳۶

/ ص ۳۰۶ / ح ۱۴۴.

۴- بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۱۲۲.

۳- آنچه به طور منطقی با بررسی ابعاد غیبت و انتظار و ظهور، به دست می آید، مانند:

الف - دفاع از آرمان‌های امام زمان در دوران غیبت.

ب - دشمن شناسی و مراقبت بر تحریف نشدن معنا و مسیر انتظار توسط دشمن.

ج - آماده سازی زمینه ظهور.

د - تطبیق دادن خود و جامعه بر معیارهای ارائه شده نسبت به دوران پس از ظهور.

۴- آنچه در تأسی به بزرگان و عالمان دینی در حدّ وظیفه باید مورد پیروی قرار گیرد، مانند:

الف - مواظبت بر اذکار و زیارت‌هایی خاص.

ب - مداومت بر انجام اعمال مستحبی در جهت ایجاد قرب معنوی به امام زمان علیه السلام.

در این بخش هشتاد مورد از وظایف شیعیان و منتظران امام زمان علیه السلام در دوران غیبت آن حضرت - که در کتاب شریف «مکیال المکارم» تألیف مرحوم حاج میرزا محمد

تقی موسوی اصفهانی، با بهره‌گیری از احادیث گوناگون گردآوری شده - بیان می‌شود؛ امید آنکه خداوند در ادای تکلیف نسبت به ساحت مقدّس آن یگانه‌دوران و جان‌جانان، همه شیعیان و منتظرانش را توفیق داده و یاری فرماید:

۱ - شناخت امام علیه السلام:

* شناخت صفات آن بزرگوار

* شناخت آداب آن حضرت

* شناخت ویژگی‌های آن حضرت

* شناخت علائم حتمیه ظهور

۲ - رعایت ادب نسبت به او، آنگاه که با ذکر نام‌های

شریفش از آن بزرگوار، یاد می‌شود.

۳ - محبت خاص نسبت به آن حضرت

۴ - محبوب ساختن آن عزیز، در نزد مردم

۵ - انتظار فرج و ظهور آن بزرگوار

۶ - اظهار شوق برای دیدن آن حضرت

- ۷- ذکر فضایل و مناقب او در بین مردم
- ۸- اندوه در فراق آن بزرگوار
- ۹- حضور در محافل ذکر فضایل آن بزرگوار
- ۱۰- برپایی مجالسی به نام صاحب الزمان علیه السلام
- ۱۱ و ۱۲- سرودن شعر و قرائت آن در فضایل مولا
- ۱۳- برخاستن در هنگام ذکر اسم شریف و القاب آن بزرگوار
- ۱۴، ۱۵ و ۱۶- گریستن، گریاندن و خود را به گریه وادار کردن در فراق آن امام همام
- ۱۷- درخواست معرفت و شناخت از خدای عزوجل نسبت به آن حضرت
- ۱۸- مداومت بر این دعا:
- «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ بار خدایا! تو مرا به خود شناسا کن

که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، بارخدا یا! تو رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من شناسانی حجّتت را نخواهم شناخت، پروردگارا! حجّت خودت را به من بشناسان که اگر حجّت خود را به من شناسانی از دین خود گمراه خواهم شد.»^(۱)

۱۹ - مداومت بر دعای غریق:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى

دینک؛ ای خداوند! ای رحمان! ای مهربان! ای دگرگون

کننده دلها! مرا بر دینت پایدار کن.»^(۲)

۲۰ - مداومت بر دعایی که مرحوم ابن طاووس نقل

نموده است:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَّفْتَنِي

مَلَائِكَتِكَ وَ عَرَّفْتَنِي وَ لَاءَةَ أَمْرِكَ، اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ

لَا أَقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُزِغْ

۱ - اصول کافی / ج ۱ / ص ۳۳۷ و بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۴۶ / ح ۷۰.

۲ - اکمال الدین / ج ۲ / ص ۳۵۱ / باب ۳۳ / حدیث ۴۹.

قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوَلَايَةِ مَنْ إِفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ...؛
 بارخدایا! تو خودت و فرستاده‌ات و فرشتگان و پیغمبرت
 و والیان امرت را به من شناسانیدی، بارخدایا! من نگیرم
 جز آنچه تو عطا کنی، و هیچ نگهدارنده‌ای جز تو برایم
 نیست، بارخدایا! مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم
 را پس از آن که هدایت کرده‌ای منحرف منمائی، بارخدایا!
 مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای
 هدایت فرما» (۱)

۲۱ - شناخت علامت‌های ظهور آن حضرت.

۲۲ - تسلیم امر الهی بودن نسبت به مسئله غیبت و
 ظهور آن حضرت و عجله نکردن.

۲۳ - صدقه دادن به نیابت از امام زمان علیه السلام.

۲۴ - صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه السلام.

۲۵ و ۲۶ - رفتن به حج و فرستادن دیگران به حج به

عنوان نیابت از امام زمان علیه السلام.

۱ - مهج الدعوات / سید بن طاووس / ص ۳۳۲ و بحارالانوار / ج ۹۵ / ص ۳۳۶ / ح ۶.

- ۲۷ - طواف مستحبی خانه خدا به نیابت از آن حضرت.
- ۲۸ و ۲۹ - زیارت مشاهد پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام به نیابت از آن حضرت.
- ۳۰ - فرستادن دیگران به زیارت آن مقامات به نیابت از امام زمان علیه السلام.
- ۳۱ - تلاش در راه خدمت به آن حضرت، از هر طریق که ممکن باشد.
- ۳۲ - کوشش در راه یاری امام زمان علیه السلام.
- ۳۳ - نیت قطعی داشتن برای یاری آن بزرگوار در زمان ظهور.
- ۳۴ - بعد از هر نماز واجب، با آن حضرت به وسیله عبارات و دعاهاى خاص، تجدید بیعت نمودن.
- ۳۵ - مصرف اموال در راه‌هایی که مورد رضایت امام زمان علیه السلام است.
- ۳۶ - ارتباط با شیعیان و دوستان امام زمان علیه السلام و کمک مالی به آنان.
- ۳۷ - شاد و خوشحال نمودن شیعیان.

- ۳۸ - خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام.
- ۳۹ - زیارت کردن او، و سلام دادن بر او در هر مکان و زمان.
- ۴۰ - زیارت مؤمنین و صالحین به قصد ثواب زیارت مولا.
- ۴۱ - صلوات فرستادن بر آن حضرت.
- ۴۲ - اهدای ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بزرگوار.
- ۴۳ - نماز خواندن و اهدای ثواب آن به امام زمان علیه السلام.
- ۴۴ - نماز هدیه، به کیفیت خاص در وقت معین.
- ۴۵ - قرائت قرآن و اهدای ثواب آن به امام زمان علیه السلام.
- ۴۶ - توسل به آن حضرت و شفیع قرار دادن ایشان در نزد خدا.
- ۴۷ - توجه و استغاثه به آن حضرت و حاجت خواستن از ایشان.
- ۴۸ - دعوت و راهنمایی مردم به سوی آن حضرت.
- ۴۹ - رعایت حقوق آن بزرگوار.
- ۵۰ - خشوع قلبی داشتن، در هنگام یادکردن آن بزرگوار.

- ۵۱ - اظهار کردن دانش در برابر ظهور بدعت‌ها.
- ۵۲ - تقیّه در برابر اشرار، و کتمان سرّ در مقابل اغیار.
- ۵۳ - شکیبایی در مقابل اذیت‌ها و تکذیب دیگران، و تحمل محنت‌ها.
- ۵۴ - درخواست صبر از خدا در دوران غیبت آن جانِ جانان.
- ۵۵ - یکدیگر را به صبر دعوت کردن.
- ۵۶ - شرکت نکردن در مجالسی که در آنها استهزاء به امام زمان علیه السلام می‌شود.
- ۵۷ - مدارا با اهل باطل.
- ۵۸ - ناشناس ماندن و دوری از شهرت.
- ۵۹ - تهذیب نفس و پاکسازی درون از صفات پلید و زینت دادن آن به وسیلهٔ اخلاق پسندیده.
- ۶۰ - همبستگی و اتحاد برای یاری آن بزرگوار.
- ۶۱ - توبهٔ واقعی و بازگرداندن حقوق مردم به آنان.
- ۶۲ - پیوسته به یاد امام زمان علیه السلام بودن.
- ۶۳ - پیوسته عمل نمودن به آداب آن حضرت.

- ۶۴ - درخواست از خدا نسبت به یادآوری همیشگی امام زمان علیه السلام و فراموش نکردن آن بزرگوار.
- ۶۵ - خشوع و خضوع در برابر آن یگانه دوران.
- ۶۶ - طلب رضایت امام زمان علیه السلام.
- ۶۷ - بزرگداشت کسانی که از نظر سیادت یا روحانیت به امام علیه السلام نزدیک هستند.
- ۶۸ - بزرگداشت مکان‌های منتسب به آن حضرت مانند: مسجد مقدس جمکران، مسجد سهله، سرداب مقدس در شهر سامراء.
- ۶۹ - اجتناب از تعیین وقت برای ظهور.
- ۷۰ - تکذیب تعیین‌کنندگان وقت ظهور آن حضرت.
- ۷۱ - تکذیب مدعیان وکالت و نیابت خاصه آن بزرگوار.
- ۷۲ - دعا برای توفیق دیدار صاحب الزمان علیه السلام.
- ۷۳ - اقتدا و تأسی نمودن به اخلاق و اعمال امام زمان علیه السلام و ترک اظهار خوشایندی از آنچه نزد دشمنان آن حضرت است.
- ۷۴ - حفظ زبان از غیر یاد خداوند و فضیلت سکوت.

- ۷۵ - به جا آوردن نماز حضرت حجت علیه السلام.
- ۷۶ - گریه بر مصائب مولای مان، شهید مظلوم امام حسین علیه السلام.
- ۷۷ - زیارت قبر امام حسین علیه السلام.
- ۷۸ - زیاد نفرین و لعن کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان.
- ۷۹ - کوشش کردن در ادای حقوق برادران دینی به عنوان یاری امام زمان علیه السلام.
- ۸۰ - فراهم آوردن و آماده کردن سلاح به نیت یاری نمودن آن بزرگوار.

سرانجام او خواهد آمد!

منتظران امام زمان علیه السلام باید بدانند که پیروان حق و سربازان نبرد حق، هیچگاه به معنای واقعی، شکست نخورده‌اند. غروب عاشورا پیکر امام حسین علیه السلام و یارانش روی خاک افتاده بود، خیمه‌های آنان در آتش می‌سوخت، و اهل بیت و اطفال ایشان در میان سنگ و خار بیابان

پراکنده بودند، حال آیا آنان شکست خورده بودند؟ و آیا آن چگونگی، شکست بود؟ اگر شکست بود، پس آن حق که اعلام شد چه بود؟ پس ماهیت حکومت باطل که افشا گشت چه بود؟ پس آنچه در جام خورشید ریخت و باقی ماند چیست؟ پس دین خدا که از خطر محو شدن رهایی یافت کدام است؟ پس قیام‌هایی که از آن پس، پیایی، پیش آمد و آمد و همواره، به روی ستمگران سیلی نواخت چیست؟ شکست، فراموش شدن خط و مکتب است نه ریختن خون سرباز حق بر زمین ... به هر حال، در دعوت عظمای مهدی علیه السلام، تأیید و نصر الهی، به صورتی آشکار پدیدار خواهد گشت، و دل‌های مؤمنان را، در برابر ابرقدرتان جهان و ارتشها و نیروهای آنان گرم خواهد ساخت، و شور پیروزی را در جان‌ها زنده خواهد کرد.

آری، او - با «اسم خدا» - خروج خواهد کرد، چنانکه شاعر شیعی قدیم، *دِعْبِلِ خُرَاعِی*، در قصیده *تائیه* معروف گفته است، و آن قصیده *والا را*، در حضور حضرت امام

ابوالحسن الرضا علیه السلام خوانده است:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَخَالَهَ خَارِجٌ

يُقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ بَيْنَنَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ

وَ يَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ (۱)

«امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به یقین، خروج خواهد کرد،

او به تأیید اسم اعظم الهی و برکات نصر آسمانی به پا

می خیزد. او حق و باطل را از هم جدا می کند، و همه را، بر

شادخواری ها، و کین توزیها، کیفر می دهد.»

دعبل می گوید: چون این ابیات را نزد امام رضا علیه السلام

خواندم، آن امام به شدت گریست. آنگاه فرمود: «ای دعبل!

روح القدس به زبان تو سخن گفته است. آیا می دانی این

امام چه کسی خواهد بود؟» گفتم: نه (شخص او را

نمی شناسم)، لیکن شینده ام که امامی از شما آل

محمد صلی الله علیه و آله و سلم خروج می کند، و زمین را از عدل و داد

می آگند. امام رضا علیه السلام فرمود: پس از من، فرزندم محمد امام است. پس از محمد فرزندش علی امام است. پس از علی (هادی) فرزندش حسن امام است. و پس از حسن (عسکری)، فرزندش، حجت قائم خواهد بود. اوست که در زمان غیبت چشم به راه اویند، و در زمان ظهور همه مطیع او گردند. او زمین را پر از قسط و عدل می کند، پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد...»^(۱)

«اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ مِنَّا الْفُجَّارُ وَ صَعَبَ عَلَيْنَا
الْإِنْتِصَارُ اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَ لِيَّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ
الْمُنُونِ»
آمین یا رب العالمین

«بارخدا یا! انتظار طول کشید، و ناپاکان و پرده دران ما را شماتت می کنند، و طلب یاری بر ما بسی سخت و دشوار گشته، پس جمال دل آرا و با میمنت نماینده خاص خود را در زمان زنده بودن مان و همچنین پس از مرگ، به ما بنمایان!»